



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: احکام قطع  
 موضوع جزئی: آثار قطع - اثر دوم: حجیت قطع - بررسی نظر محقق اصفهانی - اشکال اول و دوم و سوم  
 سال چهاردهم  
 تاریخ: ۱۹ بهمن ۱۴۰۱  
 مصادف با: ۱۷ رجب ۱۴۴۴  
 جلسه: ۷۱

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم در مورد اثر دوم قطع، یعنی منجزیت و معذرت یا به تعبیر دیگر حجیت، محقق اصفهانی مطلبی دارند که محصل آن این است که تنجز تکلیف به معنای استحقاق عقاب، امر ذاتی و قهری نیست، بلکه یک امر جعلی عقلایی است. یعنی استحقاق عقاب از احکام عقلاییه و از مصادیق یکی از قضایای مشهوره است. لذا حکم عقل محسوب نمی‌شود. این مدعای محقق اصفهانی است و آثاری نیز بر این مبنا مترتب می‌شود.

این نظر ریشه‌اش این است که حسن عدل و قبح ظلم از قضایای مشهوره است و استحقاق عقاب بر می‌گردد به حسن عدل و قبح ظلم. پس مبنای این مسئله همان حسن عدل و قبح ظلم است، زیرا کسی که با یقین به تکلیف با آن مخالفت کند این خروج از زی عبودیت و بندگی است و لذا هتک و ظلم نسبت به مولا حساب می‌شود و ظلم نیز قبیح است، زیرا عقلاء تطابقت علی قبحه.

#### بررسی نظر محقق اصفهانی

این نظر مورد اشکال قرار گرفته است، چند اشکال به محقق اصفهانی وارد شده است، هم محقق خوئی و هم شهید صدر و دیگران اشکالاتی را متوجه ایشان کردند، چند اشکال اینجا می‌توانیم ذکر کنیم.

#### اشکال اول

اینکه منجزیت و معذرت قطع یا به تعبیر دیگر استحقاق عقاب از امور جعلی عقلایی باشد قابل ایراد است از این جهت که چنانچه در عالم هیچ انسانی زندگی نمی‌کرد و هنوز اجتماع انسانی شکل نگرفته بود، باز هم انسان آن را می‌فهمید و درک می‌کرد، یعنی اگر مثلا غیر از آدم ابوالبشر هیچ انسانی در این عالم نبود باز این قابل درک بود، یعنی یقین او برای او حجیت داشت و منجز و معذر محسوب می‌شد. آنگاه با این وصف چگونه می‌توانیم بگوییم این به اعتبار حفظ نظام و ابقاء نسل از سوی عقلاء جعل شده است؟ ایشان گفتند این یک امر جعلی عقلایی است که حفظا للنظام و ابقانا للنوع صورت گرفته است. اشکال این است که لولا الاجتماع، باز قطع برای بشر حجیت داشت، قطع و یقینش برایش حجت و منجز و معذر بود. لذا ابقاء نوع و حفظ نظام اصلا موضوعا منتفی می‌شود. این نشان می‌دهد مسئله قبح ظلم و حسن عدل یعنی این کبرایی که ما نحن فیه را می‌خواهد برگرداند به آن از قضایای مشهوره نیست، زیرا اگر از قضایای مشهوره بود و برای حفظ نظام و ابقاء نوع اعتبار شده بود، باید وقتی که هیچ بشری در این عالم نبود چنین درکی وجود نداشت در حالیکه مسلما این درک وجود دارد.

#### اشکال دوم

لازمه این سخن آن است که نسبت به تمام احکام شرعی ما این مطلب را بگوییم. یعنی مخالفت با هر حکم شرعی ولو فردی‌ترین حکم و عبادی‌ترین احکام، یعنی ملتزم شویم مخالفت با حکمی که یقین به آن پیدا کرده، فاعلش مستحق عقاب است زیرا ظلم بر مولا است و ظلم قبیح است و عقلاً جمیعاً توافق دارند بر قبح ظلم، یعنی اعتبار کردند قبح ظلم را برای ابقاء نوع و حفظ نظام. ولی آیا می‌توانیم این را در تمام موارد احکام شرعی ملتزم شویم؛ مثل اینکه کسی در امور عبادی فردی، با حکم مخالفت کند. آیا اینجا می‌توانیم بگوییم مخالفت با این تکلیف از باب حفظ نظام و ابقاء نوع مستلزم استحقاق عقاب است؟ واقعا کسی نمی‌تواند به این ملتزم شود.

اینها اشکالاتی است که محقق خوبی کردند.

### اشکال سوم

این اشکال را بعضی از شاگردان محقق خوبی مطرح کردند. محقق اصفهانی که می‌گوید عقلاً توافق دارند بر قبح ظلم و حسن عدل و اگر کسی با حکم و دستور مولا مخالفت کند، مستحق عقاب است چون هتک و ظلم و به مولا کرده، آیا می‌توانیم بگوییم معنای حکم عقلاء ادراک عقلا است؟ یعنی عقلاء اینطور می‌فهمند و درک می‌کنند؟ قطعاً این منظور نیست، زیرا اگر منظور از نظر و حکم عقلاء این باشد که عقلاء ادراک می‌کنند قبح ظلم را، این معنایش این است که قبح ظلم یک امر واقعی است و اینها آن را درک کرده‌اند، در حالیکه مسلماً نظر محقق اصفهانی این نیست، او می‌خواهد بگوید عقلاء بنای عملیشان بر این است که ظالم را مستحق ذم می‌دانند، می‌گویند این آدم مستحق ذم و سرزنش است، عادل را مستحق مدح و ستایش می‌دانند، یعنی آنها در بناء عملیشان نسبت به عادلان و ظالمان اینچنین قضاوتی دارند، یعنی کأنه اینطور اعتبار می‌کنند؛ ولی سوال این است که این بنای عملی عقلاء بدون جهت پیش آمده؟ چه چیز باعث شده که عقلاء توافق کنند که ظالم مستحق عقاب است و عادل مستحق پاداش؟ منشأ این توافق عقلا چیست؟ وقتی می‌گوییم عقلاء، بالاخره یعنی آن حیث عاقل بودن و داشتن قوه عاقله را برای اینها در نظر گرفته‌ایم، اینها بی‌جهت که حکم نمی‌کنند، بالاخره یک امر راجحی را دیدند و به خاطر آن گفتند ظالم مستحق ذم است و عادل مستحق مدح است، آن امر راجحی که به حسب ظاهر کلام محقق اصفهانی منشأ این بنای عملی شده عبارت است از حفظ نظام. ایشان فرمود حفظاً للنظام و ابقائاً للنوع.

پس عقلاء اگر حکم بر استحقاق عقاب برای کسی که با قطعش مخالفت می‌کند، کرده‌اند به این جهت است که به نظر آنها این ظلم است، این ظلم نیز از دید آنها قبیح است و دیدند اگر استحقاق عقاب برای ظالم را اعتبار نکنند نظام به هم می‌ریزد و نسل متلاشی می‌شود. پس آن امر راجحی که موجب این حکم شده حفظ نظام بوده است.

حال نقل کلام می‌کنیم به این امر راجح و می‌گوییم آیا رجحان حفظ نظام و ابقاء نوع و نسل، یک امر عقلی است یا عقلایی؟ چرا عقلاً می‌گویند باید نظام حفظ شود؟ اگر بگوییم این یک امر عقلایی است سؤال می‌کنیم منشأ اینکه نظام باید حفظ شود از دید عقلاء چیست؟ به عبارت دیگر چه عاملی و چه امر راجحی وجود داشته که به خاطر آن می‌گویند باید نظام حفظ شود؟ بالاخره یک امری را باید ذکر کنیم، باز نقل کلام می‌کنیم به آن می‌گوییم آن عقلی است یا عقلایی و هکذا، بالاخره باید به یک جایی برسد که یک امر عقلی باشد و الا یتسلسل، که بالاخره منشأ حکم عقلا باید وجود رجحان در چیزی باشد و الا معنا ندارد که عقلاء بما

هم عقلا بی جهت بدون هیچ سببی حکم به رجحان چیزی کنند. پس اگر رجحان حفظ نظام خودش یک امر عقلایی باشد سر از تسلسل در می آورد.

اگر هم بگویید حفظ نظام یک امر عقلی است لازمه اش این است که حسن عدل و قبح ظلم امری عقلایی نباشد بلکه خودشان یک امور واقعیه عقلیه باشند، زیرا این مسئله را از مصادیق آن عنوان قرار داده اند. یعنی حسن عدل و قبح ظلم مصداق حفظ نظام و ابقاء نوع شدند به گونه ای که اگر کسی مخالفت کند، یعنی در نظام اخلاص ایجاد کرده.

پس نتیجه این شد که حسن عدل و قبح ظلم نمی تواند از قضایای مشهوره باشد. زیرا اگر عقلا توافق کنند بر قبح ظلم، باید منشأ داشته باشد مثلاً حفظ نظام باشد طبق بیان ایشان، اگر بگوییم این عقلایی است، می گوییم منشأ آن چیست؟ و هکذا ادامه پیدا می کند تا برسد به اینکه منشأ عقلی داشته باشد و اگر منشأ عقلی داشته باشد نفی مدعای ایشان است.

این هم اشکال سومی است که اینجا شده است.<sup>۱</sup>

### سوال:

استاد: اشکال همین است که این مورد اصلاً نمی تواند جزء مشهورات باشند. مشهورات القضا یا التي مما تطابقت علیها آراء العقلاء، منظور است. آن تطابقت یعنی مورد تطابق همه عقلا است مثل همین حسن عدل و قبح ظلم.

### بحث جلسه آینده

اشکال دیگری نیز شهید صدر دارد که باید آن را نیز عرض کنیم و سپس آنها را بررسی کنیم.

### در شرایطی که همه بدخواهان علیه مردم و انقلاب متحد شده اند باید همه ملت یکپارچه در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت کنند

روز شنبه، روز ۲۲ بهمن و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. در مورد اصل این مطلب قبلاً صحبت کردیم، الان فقط می خواهم راجع به اهمیت حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن مطالبی را عرض کنم.

امسال شرایط بسیار حساس و استثنایی و مهم است. به راستی تمام دشمنان این کشور، تمام مخالفان دین و مذهب و به یک معنا مخالفان هویت اسلامی و ایرانی ما، دست به دست هم داده اند و با تمام توان به میدان آمده اند و از نقاط ضعف ما دارند سوء استفاده می کنند تا آسیب جدی بر پیکره این ملت، این کشور، اسلام، روحانیت و وحدت مردم وارد کنند؛ تردیدی در این نیست. لذا کسی که اندک دل سوزی داشته باشد، با همه اشکالاتی که وجود دارد و ما نیز اذعان داریم به این اشکالات، باید با تمام توان در برابر اجانب و بدخواهان به دفاع برخیزد.

اشکالات فراوان است، مهمترین آنها مشکلات معیشتی مردم و رفتاری های آنان است. هیچ تردیدی در آن نیست، بعضاً سوء مدیریت ها، در کنار تحریم های ظالمانه که بر این مردم وارد شده است. الان دیگر لازم به گفتن نیست که لحظه ای قیمت ها ارتفاع پیدا می کند و زندگی را برای عموم مردم و از جمله طلاب و آنهایی که با مشکلات و رفتاری های فراوانی مواجه هستند، سخت کرده است. با این حال فشارها و حجمه های فراوانی به ملت و کشور و نظام در این ماه های اخیر وارد شده و در حال وارد شدن است.

<sup>۱</sup> منتقی الاصول، ج ۴، ص ۲۴ الی ۲۵.

تمام مخالفین ایران، با همه سلاطین، از چپ کمونیست و مارکسیست بگیرد تا سلطنت طلب، با هم متحد شدند تا بساط این کشور را به هم بریزند. آنها برای ۲۲ بهمن فراخوان سراسری در دنیا دادند و از تمام مخالفان جمهوری اسلامی درخواست کرده‌اند در اجتماعاتی شرکت کنند و علیه انقلاب و این نظام قدرت نمایی کنند. در سراسر جهان این فراخوان را دادند، روز ۲۲ بهمن، آن ظالم زاده که از نظر ریشه و خانواده بی اصل و نسب است و خودش هم بی‌شخصیت و عیاش گرفته تا ... و واقعا چیزی که ذره‌ای در وجود آنها نیست دلسوزی به حال این کشور و مردم است و تمام عمرشان نیز به عیاشی و خوش‌گذرانی مشغول بودند اینها همه مشغول قدرت نمایی شده‌اند، اگر چه بعد از این اغتشاشات مقداری سرخورده شده‌اند که چرا مسائل آنطور که آنها می‌خواستند پیش رفت. بحمدالله مردم با تمام دلخوری‌هایشان واقعا ایشار را به حد کمال رساندند و می‌رسانند، صبوری را به حد کمال رساندند با همه گرفتاری‌هایی که دارند مراقبند که دشمن نفوذ نکند و آسیب بزند، همین مردمی که از صبح تا شب با مشکلات زیادی دسته و پنجه نرم می‌کنند و هر کسی آن را لمس می‌کند، اما به وقتش، همه اینها را نادیده می‌گیرند و دفاع می‌کنند از اسلام و انقلاب و دین و یکپارچگی این کشور تمامیت ارضی این مملکت، حفظ علم اسلام و تشیع، تا به حال اینطور بوده، هر جایی که نیاز بوده مردم حضور پیدا کردند، کوتاهی نکردند و قصور نداشتند. در صحنه‌های متفاوت؛ در دفاع مقدس در مشکلاتی که پیش می‌آید زلزله و سیل که پیش می‌آید، در همین کرونا واقعا مهربانانه به کمک یکدیگر شتافتند، مهمترینش همین صبوری و مقاومت و خویشتن داری است که دارند، در این ایام که اغتشاشات پیش آمد همراهی نکردند با اغتشاشگران، من مطمئنم در این صحنه نیز انشاءالله آنها را مأیوس خواهند کرد و انقلاب را به عنوان حقیقتی که محصول پایمردی‌ها و نتیجه زحمات خود مردم است و خون‌های زیادی برای آن داده شده، سرمایه‌های مادی و معنوی فراوانی در این راه از دست رفته، به سادگی حاضر نیستند در معرض آسیب و خطر قرار بگیرد، نمی‌توانند تماشا کنند که جمعی که هیچگاه به فکر این ملت و این کشور نبودند، میدان دار شوند آن وقتی که نیاز داشتند اینها پشت کردند، بلکه به دشمنان کمک کردند که فشارها و تحریم‌های بیشتری را متوجه این مردم بکنند.

لذا راهپیمایی امسال بسیار اهمیت دارد، کسی عذر و بهانه ای برای عدم شرکت نیاورد و انشاءالله همه با هم قدرت و اقتدار این کشور و نظام را به دنیا و بدخواهان و دشمنان این مملکت نشان دهیم و انشاءالله حضور یکپارچه و قوی باعث شود که آنها تجدید نظر کنند در نگاهشان به این کشور.

از این طرف نیز از مسئولین می‌خواهیم که تقدیر و تشکر از مردم فقط به زبان و لسان نباشد، تقدیر و تشکر فقط منحصر به این ایام نشود، عملا باید از این ملت تشکر کرد و تشکر عملی از مردم خدمت بیشتر، خدمت بی‌شائبه و شبانه روزی به این مردم است که مشکلاتشان کم شود، وضع معیشت بهبود پیدا کند، آرامش داشته باشند و انشاءالله یک زندگی مشحون از فضائل و مملو از بهره‌های مادی و معنوی برای آنان و نسل‌های آینده فراهم شود. تقدیر و تشکر باید با تدبیر و برنامه‌ریزی و دوراندیشی صورت بگیرد، تقدیر و تشکر واقعی این است.

البته پیشرفت‌هایی که بعد از انقلاب صورت گرفته، انصافا قابل توجه است. نباید بگوییم هیچ کاری صورت نگرفته است، پیشرفت‌های مختلفی در ابعاد مختلف چه فناوری و چه خدمت رسانی به اقشار ساکن در روستاها، اما اینها کافی نیست و مطابق با شأن و منزلت مردم ایران نیست و باید با امید به آینده روشن به این سو حرکت کنیم

انشاءالله همه دست به دست هم بدهیم تا این مشکلات را بر طرف کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»